

## قمیرة همسر مسروق

از عایشه همسر رسول خدا روایت کرده است.

### کبشة

او دختر حارث و همسر شریح است.

وکیع از سفیان از داود، و جابر از عامر از شریح ما را خبر دادند که شریح می‌گفته است کبشة دختر حارث را طلاق داده و پانصد درم به او پرداخته است.

## أم اسماعیل دختر ابی خالد

او همراه خواهرش سکینه پیش عایشه رفته‌اند و از او حدیث شنیده‌اند.

عبدالله بن نمیر از اسماعیل بن ابی خالد از مادرش و خواهرش ما را خبر داد که آن دو روز هشتم ذی‌حجه پیش عایشه رفته‌اند در آن حال زنی از عایشه پرسیده است آیا برای من حلال است که در حال احرام چهره خود را بپوشانم؟ عایشه روسری خود را از روی سینه خویش بلند کرده و تارستنگاه موی پیشانی خود آن را بالا برده است.

محمد بن عبید طنافسی از اسماعیل بن ابی خالد از گفته مادرش و خواهرش سکینه ما را خبر داد که می‌گفته‌اند: هر دو عایشه را دیده‌اند که پیراهنی گل‌رنگ و روسری بلند سیاه بر تن داشته است.

### زینب

همسر قیس بن ابی حازم است، او از عایشه روایت کرده است و همسرش قیس بن ابی حازم از او روایت می‌کند.

## مادربزرگ صالح بن حیان

او از صفیه دختر حُئی روایت می‌کند.

یعلی بن عبید از صالح بن حیان از گفتهٔ مادربزرگش ما را خبر داد که می‌گفته است  
\* هیچ روزی بر من دشوارتر از آن روز نبود که ملخ به شهر مدینه هجوم آورد و صفیه  
دختر حُئی مرا دستور داد که آنها را در روغن سرخ کنم تا بخورد.<sup>۱</sup>

## رباب

او مادربزرگ عثمان بن حکیم بن عباد بن حنیف است.

یعلی بن عبید طنافسی، از عثمان بن حکیم از مادربزرگش رباب ما را خبر داد که  
می‌گفته است \* عثمان بن حنیف به یکی از کنیزکان گفت آن ملافه را به من بده، گفت من  
نماز نمی‌خوانم - کنایه از آنکه در حال حیض هستم، عثمان بن حنیف گفت حیض تو در  
دست تو نیست، کنیزک ملافه را به او داد، عثمان برخاست و درحالی که آن ملافه را بر کمر  
بست در همان یک جامه نماز گزارد و ردای او بر رخت آویز کنار مسجد بود و آن را  
برنداشت و نپوشید.

## سَلْمی دختر کعب اسدی

او به نقل عبیدالله بن موسی بن اسرائیل حدیثی از ام‌المومنین عایشه دربارهٔ اشیاء گم‌شده  
روایت کرده است.

۱. شاید در نظر برخی از خوانندگان گرامی آوردن اینگونه روایات بی‌معنی باشد، باید توجه داشت که همین مطالب از نظر  
فنهای رریسای احکام است که به‌عنوان مثال ما توجه به عمل صحبه همسر رسول خدا (ص) خوردن ملخ جایز است.

## ام کلثوم

او همسر سالم بن عبدالله بن عمر بن خطاب است. معن بن عیسی، از خالد بن ابی بکر ما را خبر داد که می‌گفته است: \* بر تن ام کلثوم همسر سالم بن عبدالله بن عمر جامه‌یی دیدم که با رنگ زرد رنگ شده بود.

## أم قیس

او مادر بزرگ عمرو بن میمون بن مهران است و از مسروق روایت کرده است. یزید بن هارون از عمرو بن میمون از پدرش از مادر بزرگش ام قیس ما را خبر داد که می‌گفته است: \* در منطقه سلسله<sup>۱</sup> در حالی که شصت گاو نر همراهم بود که گردو و پنیر بارشان بود از کنار مسروق گذشتم. پرسید تو کیستی؟ گفتم کنیزی که پیمان آزادی خود را نوشته‌ام، مسروق گفت آزادش بگذارید برود که در اموال کسی که پیمان آزادی نوشته است زکات نیست.

## فاطمه دختر محمد

همسر عبدالله بن ابی بکر است. یعلی بن عبید از ابن اسحاق از عبدالله بن ابی بکر از همسرش فاطمه دختر محمد که زیر نظر و پرورش عایشه بوده است ما را خبر داد که می‌گفته است: \* یکی از زنان قرشی جعبه کوچکی را که در آن پنبه‌یی که به زردی می‌زد قرار داشت پیش عمره فرستاد<sup>۲</sup> و پرسیده بود که اگر زن در درون خویش نشانی بیشتر از این نبیند آیا پاک شده است؟ عمره پاسخ داد نه تا وقتی که پنبه کاملاً سپید باشد.

۱. نام نهری در سواد عراق است. به معجم البلدان مراجعه شود.  
 ۲. گروه بسیاری از بانوان محدث عمره نام دارند ولی طاهراً منظور عمره دختر عبدالرحمان بن اسعد بن دراره است که شرح حالش در همین بخش از همین جلد آمده است.

## نَدْبَة

کنیز آزاد کرده ابن عباس است و از عروة بن زبیر روایت کرده است. عثمان بن حکم از گفته ندبه کنیز آزاد کرده ابن عباس ما را خبر داد که می گفته است \* هرگاه عروة بن زبیر به حج می رفت و همسران و فرزندان خود را همراه می برد به آنان دستور می داد بر خود نشان بزنند.

## مِیْمُونَة

دختر عبدالله بن معقل بن مقرن مزنی، به نقل ابواسامة از پدرش روایت کرده است من از او نشنیدم ولی عبدالله بن ولید می گوید میمونه دختر عبدالله بن مقرن می گفت از پدرش درباره افشیره مویز پرسیده اند و او آن را خوش نداشته است.

## أُم ثَوْر

جابر جعفی از گفته او روایت می کند. ام ثور از شوهرش بشر نقل می کند که از ابن عباس پرسیده است زن در چند جامه باید نماز بگذارد.

## هُنَیْدَة هَمْسَر اِبْرَاهِیْم نَخَعِی

شعیب بن حبیب از او روایت می کند.

## مُلَیْکَة خَالَة نَعْمَان بِن قَیْس

او همان است که محمد بن فضیل بن غزوان از او روایت می کند، نعمان بن قیس هم از او روایت می کند و از عبیده درباره مندر پرسیده است.

## حَجَّة دختر قرط و دخترش\*

### رقیقه دختر عبدالرحمان

اسباط بن محمد بن موسی بن عبیده ربذی از گفته رقیقه دختر عبدالرحمان از مادرش حَجَّة دختر قرط ما را خبر داد که می‌گفته است مقام ابراهیم (ع) از آسمان فرود آمده است.<sup>۱</sup>

پایان طبقات بانوان که بخش پایانی کتاب طبقات محمد بن سعد کاتب واقدی است  
و خدای هر دو را رحمت فرماید.

و ستایش از آن خداوند یکتاست و درود و سلام حق تعالی بر بزرگواری که پس از او پیامبری نیست  
و بر آل و یاران و پیروان و حزب او باد.

۱. برای آگاهی از دیگر روایات در این باره به ترجمه اخبار مکه ابوولید ازرقی، ص ۳۲۴، به قلم ابن بنده، چاپ بنیاد  
۱۳۶۸ خورشیدی مراجعه فرمایید.